

کلاهبردار بود، اما بقیه‌شان آدم‌هایی بودند که واقعاً به همان چیزهایی که می‌گفتند عقیده داشتند ولی هیچ‌چیز هم نمی‌فهمیدند. نصف یک آیه را برمی‌داشتند، یک جمله از پیغمبر را می‌دیدند و بقیه را رها می‌کردند. مثلاً پیامبر می‌فرماید من دارم می‌روم برای جهاد و در مسافرت روزه واجب نیست، ولی باز بعضی از این‌ها روزه می‌گیرند و همراه ایشان می‌آیند؛ یعنی از پیغمبر مقدس‌تر هستند. از آن طرف سر تقسیم غنائم این‌ها به پیغمبر می‌گویند چرا عدالت را رعایت نکردید؟ چون پیامبر به تازه‌مسلمان‌ها سهم بیشتری داد تا

انحراف؟ اصول‌گرایی است یا تحجر؟ البته یک جاهایی هم آشکار است. بنابراین این مسئله اول: آیا رفتار امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) و اهل‌بیت می‌تواند سرمشق ما باشد یا خیر؟ و چطور باید باشد تا از دو پرنگاه بدعت و تحجر نیفتد؟ فرقی را هم عرض کردم: اجتهاد. جایی هم که متد ندارد، اختلاف شخصی است و تا وقتی در حوزه نظر است، همه نظرها محترم است؛ به شرط اینکه گوینده صاحب‌نظر باشد؛ مثل دو فیزیكدان یا دو پزشک که دو تا نظر دارند

روحانیت در مقام وارثان این سلسله نورانی و به‌میزنگه کارشناسان دین، می‌باید در گام نخست، این میراث را به‌خوبی بشناسند. اما شیوه صحیح این شناخت کدام است؟ هر مسلمانی معرفی‌اجمالی از اسلام دارد و می‌تواند اصول پنج‌گانه دین و مذهب و نیز فروع ده‌گانه آن را کاملاً بشناسد. همچنین با برخی احکام عبادی آن آشناسد و آنها را با عنوان واجبات و محرمات... می‌داند و تا حد علم و همت خود بدان عمل می‌کند. لیکن این شناخت‌ها به چندین دلیل کافی نیست: نخست آنکه مجموعه‌آگاهی‌های ما از دین، حاصل شناخت‌هایی پراکنده است که نام آن را «اسلام» گذاشته‌ایم. مفاهیمی که به اسلام نسبت می‌دهیم، سلسله‌ای است از مسائل اعتقادی نظیر توحید، نبوت، عدل، امامت و همچنین مسائل

روایت‌هایی از متن و فرامتن فتنه هشتاد و هشت - ۵۹

مرز اجتهاد و بدعت در تحلیل‌های تاریخی

بازخوانی خطبه ۲۰ شهریور ۸۸ رهبر انقلاب در گفت‌وگو با آقای حسن رحیم‌پور ازغدی

سیاسی و دینی نیست - گفته‌اند که مدام قضایای صدر اسلام را به الان تطبیق ندهید. پاسخ این است که بله، یک وقت تطبیق زورکی است که تحریف و برخورد ابزاری است؛ یعنی بخشی از یک آیه، حدیث و سیره را بردارید و از آن سوءاستفاده کنید به نفع خودتان. این کار حتماً غلط است؛ هم خلاف اخلاق علمی، هم خلاف تقوای سیاسی است؛ اصلاً تفسیر به رأی یعنی همین. این کار را مخالفین اسلام همیشه کرده‌اند. جریان‌های انحرافی در سیاست، در عرفان، فلسفه، فقه و... با قطع و موضع ابزاری با سنت پیغمبر و قرآن برخورد می‌کنند. خواجه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را می‌بینند، شعار قرآنی می‌دهند که «لا حکم الا لله»، اما حضرت امیر می‌گویند لا حکم الا لله یک چیز است، لا امره الا لله یک چیز دیگر است. حاکمیت حق خدا است؛ اما معنی‌اش این نیست که خدا و فرشته‌ها از آسمان پایین می‌آیند و مسئولیت‌ها را به عهده می‌گیرند. خواجه انارشیست‌های جهان اسلام هستند؛ قرن‌ها هم عمر کردند؛ هم با علی جنگیدند، هم با معاویه؛ هم با بنی‌امیه جنگیدند، هم با بنی‌عباس و هم با شیعه. جالب است حضرت امیر به آنها اشاره می‌کنند و می‌گویند شعار شما این است که حکومت‌خدا، ولی‌ایا جامعه دینی بدون حکومت یک فرد انسانی امکان دارد؟ در جامعه غیردینی هم امکان ندارد. شما شعر می‌دهید که کسی حاکم نباشد، اما برای خودتان چهار، پنج حاکم و رهبر تعیین کردید.



بفیتیم در دام تحجر. باید دید چه چیزی مربوط به آن شرایط خاص زمانی و مکانی است. تنقیح مناط باید کرده و دید چه نوع تنقیح مناطی درست است و چه نوعی درست نیست؟ قیاس‌ها چه چند نوع هستند؟ کدامش بله، کدامش نه؟ مرز اجتهاد واقعاً بعضی جاها ظریف است؛ گاهی قابل تشخیص نیست که این اجتهاد است یا بدعت؛ نوگرایی است یا بدعت؛ نوگرایی است یا

اگر برخورد ما از جنس قطع، تحریف و تفسیر به رأی باشد، این کار اسلامی و اخلاقی و علمی نیست. اما بالاخره این کارها متد دارد. از کجا فهمیم واقعاً ما داریم کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) یا اهل‌بیت یا سنت پیغمبر یا از همه مهم‌تر آیه قرآن را درست می‌فهمیم؟ آیا معنی‌اش همین است که ما داریم تفسیر می‌کنیم؟ یا اینکه داریم تحریف می‌کنیم؟ مرز تأویل و تکذیب کجا است؟ و تحجر کجا است؟ مرز اجتهاد واقعاً بعضی جاها ظریف است؛ گاهی قابل تشخیص نیست که این اجتهاد است یا بدعت؛ نوگرایی است یا انحراف؛ اصول‌گرایی است یا تحجر؛ البته یک جاهایی هم آشکار است.

اما هر دو صاحب‌نظر هستند؛ آن متد حداقلی که همه‌شان قبول دارند را باید رعایت کنند. اما این‌طور نیست که بگوییم هر کسی از راه رسید، می‌تواند یک قرآنت جدید در فیزیک یا پزشکی داشته باشد. مگر به کسی که سواد این کار را ندارد و روش آن را نمی‌داند، اجازه می‌دهند قرآنتش را مطرح کند؟ البته کسانی هم هستند باسواد و ملاً اما تک‌طوری همین

غفلت از شناخت عمیق و جامع اسلام

بررسی قیام ۱۵ خرداد؛ مبدأ تحولات منتهی به انقلاب اسلامی - ۶۰

بنابر این باید کوشید تا تمام ابعاد دین با همان نسبتی که خاوند تکوین فرموده و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) تبیین کرده است بازشناخته شوند. حال است که هر سلسله از این مسائل، خود، بحری است بی‌کران، و میان تمام این سلسله‌ها و تمام این مسائل، روابط حقیقی و تکوینی بسیار منجمی برقرار است. در این نظام منسجم، روابط و سلسله مراتبی بسیار دقیق وجود دارد و مسائل از نقطه مشخصی شروع می‌شوند و در نقطه معینی پایان می‌گیرند و در این میان احکام و معارف چنان به هم پیوسته و منظم و به هم مربوطند که نمی‌توان بعضی را از بعضی گسیخت و جداگانه شناخت و بررسی کرد. تنها کسی می‌تواند دین را به گونه‌ای صحیح و دقیق درآید که قادر باشد مسائل آن را در نظام تکوینی منظم و منسجم آن بشناسد و گر نه حاصل تلاش او مجموعه‌ای از اطلاعات پراکنده‌ای خواهد بود که ارتباط منطقی و درستی با همدیگر ندارند.

یکی از جنبه‌های مهم و دقیقی که عالمان دین می‌باید در شناخت اسلام بدان دست یابند و به دیگران بیاموزند کشف رابطهای است که بین احکام و معارف دین وجود دارد (شناخت ارتباطات تکوینی حوزه‌های دینی با یکدیگر).

چنین کسی در حقیقت یک اسلام‌شناس نیست و این مجموعه نیز چیزی جز پیکرهای بی‌جان و مثله نیست و به نام اسلام نخواهد بود. بر این اساس یکی از جنبه‌های مهم و دقیقی که عالمان دین می‌باید در شناخت اسلام بدان دست یابند و به دیگران بیاموزند کشف رابطهای است که بین احکام و معارف دین وجود دارد (شناخت ارتباطات تکوینی حوزه‌های دینی با یکدیگر). جنبه دیگری که در شناخت اسلام هرگز نباید از نظر دور ماند این است که اکثر پژوهشگران دینی تنها بُعدهای خاصی را مدنظر گرفتند و از سایر ابعاد اسلام به کلی غفلت ورزیدند؛ یا به موضوع مورد علاقه خود پیش از حد پرداختند. برای رفع این نقیصه اولاً باید اسلام را در «کل» شناخت و تمام ابعاد آن را در نظر گرفت؛ ثانیاً جایگاه جزء آن را در این مجموعه باز یافت. بر این اساس باید توجه داشت که مبدا به دلیل بروز شرایطی خاص، برخی ابعاد دین از آنچه هست برجسته‌تر جلوه داده شوند و ابعادی شناخت و دفاع از آن، مغفل و ناشناخته و نهاده بمانند، یا بدتر از آن، از جایگاه واقعی‌شان فرکاسته شوند.

شمال

۲۲۶۰۳۶۳۵
۲۲۷۱۲۹۷۶
۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
۶۶۵۹۲۲۶۶ - ۶۶۵۹۲۰۱۰۱۱

جنوب

۵۵۹۰۰۸۹۷
۳۳۹۶۲۲۳۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱
۳۶۲۵۷۰۷۴
۵۶۳۴۴۴۴۳
۵۶۳۸۹۵۹۸

مرکز

۳۳۱۱۹۲۳۶
۳۳۱۱۳۰۸۵
۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۹۰۲۵۹۹

نیازمندی های کیهان

قول‌رگمی تلفنی

از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر

تلفن: ۳۳۱۱۲۲۹۲-۵

فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳

niyaz.mandiha@kayhan.ir

کلیه خدمات	خرید و فروش کلیه اوراق	خرید و فروش اقسامی	خرید و فروش اقسامی	خرید و فروش اقسامی	خرید و فروش اقسامی
کلیه خدمات	خرید و فروش کلیه اوراق	خرید و فروش اقسامی	خرید و فروش اقسامی	خرید و فروش اقسامی	خرید و فروش اقسامی
کلیه خدمات	خرید و فروش کلیه اوراق	خرید و فروش اقسامی	خرید و فروش اقسامی	خرید و فروش اقسامی	خرید و فروش اقسامی
کلیه خدمات	خرید و فروش کلیه اوراق	خرید و فروش اقسامی	خرید و فروش اقسامی	خرید و فروش اقسامی	خرید و فروش اقسامی

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در سال ۱۴۰۰

- ۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
- ۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتماً نزد خود نگهداری ننمائید.
- ۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
- ۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
- ۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره ۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸ با ذکر مشخصات در کانال تلگرام قرار داده به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا	
نام:	نام خانوادگی:
تلفن:	تلفن همراه:
مبلغ پرداختی:	ریال شماره فیش بانکی:
آدرس:	پست الکترونیکی:

مقتضایان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۷۷۴۳۹۷۸۴۵ بانک ملت و یا حساب ۰۱۰۶۷۱۲۵۹۵۰۰۹ (سپیا) بانک ملی شعبه سعدی جنوبی که ۶۹ به نام حسین شریعتمداری (موسسه کیهان) و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۲۶۳۱ با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۱۰/۱۰۰/۰۰۰	۵/۴۳۰/۰۰۰	۲/۲۱۵/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶/۸۶۰/۰۰۰	۸/۴۳۰/۰۰۰	۴/۲۱۵/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶/۸۶۰/۰۰۰	۸/۴۳۰/۰۰۰	۴/۲۱۵/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۵/۵۲۰/۰۰۰	۲/۷۶۰/۰۰۰	۱/۳۸۰/۰۰۰
مجله زن روز	۵/۵۲۰/۰۰۰	۲/۷۶۰/۰۰۰	۱/۳۸۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۲/۷۶۱/۰۰۰	۱/۳۸۵/۰۰۰	۶۹۰/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۴۲۵/۰۰۰	—	—

تلفن: ۳۳۱۱۰۲۲۷۸-۲۱ - شماره: ۰۲۱-۳۳۹۱۰۹۲۲